

## فصل هفتم سیره و تبلیغ

سخنان ادوارد موتیه و گوستاو لوبون درباره پیامبر  
اما درباره محمد ﷺ، او به عنوان شخصیتی بزرگوار، نیکومعاشرت، شیرین سخن، و  
راست گفتار شناخته می‌شد، و مهمترین ویژگی وی، داوری صحیح، صراحت لهجه و  
خشنود ساختن مردم بود.

ادوارد موتیه<sup>۱</sup>

پیامبری چونان محمد ﷺ، شایسته آن است که از آیین وی پیروی شود و برای پذیرش  
رسالتش بر یکدیگر پیشی گیرند، زیرا دعوت شریف او بر شناخت آفریدگان، و تشویق  
بر امور خیر، و بازداشتن از زشتیها استوار است و همه آنچه برای بشریت به ارمغان  
آورده، زیبا و خوبی آفرین می‌باشد.

گوستاو لوبون<sup>۲</sup>

۱. خاورشناس فرانسوی که بین سالهای ۱۸۵۶ - ۱۹۲۷ زندگی می‌کرد. او در سال ۱۹۱۰ به ریاست  
دانشگاه ژنو منصوب گردید، و مطلب بالا را در کتابش که حاضرالاسلام و مستقبله نام دارد، آورده است.  
۲. دانشمند فرانسوی، در کتابش که اشمنالاسلامی نام دارد، ص ۶۷.

## تبلیغ اسلامی

تبلیغ عملی است که سبب رسانیدن پیام خدا به مردم بوده و به گونه‌ای انجام گیرد که شایستگی انتساب به خداوند را دارا باشد.

از بررسی عناصر و اجزای تبلیغ به صحت تعریف فوق پی می‌بریم، و متوجه می‌شویم که آنچه امروز با عنوان تبلیغ از آن یاد می‌شود چیزی جز فریب دادن و گمراه کردن مردم از دعوت اصیل خدایی نیست.

عناصر تبلیغ عبارتند از:

۱. فرستاده یا پیام‌آور

۲. پیام

۳. وسیله و ابزار

۴. دریافت‌کننده پیام

۵. عکس‌العمل و واکنش مردم

در تبلیغی که به منبع پیام یا فرستنده آن اشاره نشده باشد می‌توان تردید کرد، زیرا موجب اشتباه بین فرستنده و فرستاده می‌گردد. البته در تبلیغ اسلامی این دو از یکدیگر متمایزند و فرستنده و سرچشمه پیام، آفریدگار جهان است، و فرستاده، نبی اکرم صلی الله علیه و آله. و اکنون توضیحاتی در مورد عناصر فوق:

۱. فرستاده یا پیام‌آور

اولین و مهمترین عنصر تبلیغ اسلامی، پیام‌آور و فرستاده خداست که همان وجود نازنین حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد، و در عظمت وی همین بس که او خاتم و عصاره کاروان پیامبران، و والاترین آنهاست، و کتابش معجزه جاویدان و عین مکتب اوست. وی بزرگترین و بی‌ظنترین دعوت‌کننده به توحید، و رساننده پیام الهی بود، و قرآن مجید درباره او فرموده است:

«ای پیامبر، ما تو را گواه بر مردم، و مژده‌بخش و بیم‌دهنده قرار دادیم...»<sup>۱</sup>

خاورشناسان منصف و دیگر دانشمندان غیرمسلمان به عظمت او اعتراف کرده، و

یکی از آنان در کتابی که با عنوان صد مرد برتر نگاشته، آن حضرت را در ردیف اول قرار داده است.

برنارد شاو، دانشمند و نویسنده برجسته ایرلندی درباره او می‌گوید: «من بدون اینکه قصد دشمنی یا مخالفت با حضرت مسیح صلی الله علیه و آله را داشته باشم، زندگی این مرد شگفتی‌آور (محمد صلی الله علیه و آله) را بررسی کرده و به این اعتقاد رسیده‌ام که باید او را نجات‌بخش بشریت نامید، و بر این باورم که اگر فرصت برای مردی همانند او فراهم شود و بتنهایی حکمران دنیای جدید گردد، توفیق خواهد یافت که تمام مشکلات آن را با شیوه‌ای مسالمت‌آمیز که جهان کنونی شدیداً نیازمند آن است، برطرف کند، و می‌توانم بگویم: در اروپای امروز، گوشه‌هایی آماده شنیدن پیامها و استقبال از مکتبی هستند که محمد صلی الله علیه و آله بر جهانیان عرضه کرده است.»<sup>۱</sup>

و در دایرةالمعارف بریتانیا درباره آن حضرت چنین آمده است:

«پیامبر اسلام، با آنکه معاصرانش سابقه چند قرن جهالت و نادانی و بت‌پرستی داشتند، در مدت بیست سال موفق به انجام اصلاحاتی گردید که مصلحان یهودی و مسیحی با پشتیبانی و اقتدار پاپ و کلیسا، قرن‌ها از انجام آن ناتوان بودند.»

این اعترافات دانشمندان غرب است، اما متأسفانه وسایل تبلیغی آنها، هدفی جز گمراهی مردم و تحریک‌گریز و نابودی معنویات، و اسراف و جنگ‌افروزی ندارند.

غرب، مسلمانان را به بنیادگرایی و افراط‌کاری متهم می‌دارد؛ آیا این اعمال آنها، بنیادگرایی مادی صرف و تجاوز و تروریسم نیست؟ اگر جواب منفی باشد، پس چه کسی بنیادگرا و تندرو است؟ خدایا، ما را به راه مستقیم هدایت کن، راه کسانی که به آنها نعمت بخشیدی، نه راه کسانی که بر آنها خشم آوردی و نه راه گمراهان.

در تبلیغ اسلامی، انسان بنا به فطرت خدایی‌ای که دارد، یک واحد هماهنگ و مترابط محسوب می‌شود و جدایی بین جسم و روح او نیست، و یکی از آنها بر دیگری برتری ندارد، و گرایش فردی او با روح جمعی وی برابر است. به همین جهت جوامع انسانی و نیز همه هستی، متعادل و هماهنگ می‌باشند.

۱. شاو، برنارد، الاسلام الصحيح، ص ۲۵. به نقل از: کتاب منهج بحوث الاسلامیه، محمود علی عبدالحلیم.

۱. «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً...»، (سوره احزاب، آیه ۴۵).

## ۲. قرآن

در عظمت قرآن همین بس، که کتاب خدا، و معجزه جاویدان اسلام، و دارای محتوایی بلند و اصیل، و احکامی ثابت و تغییرناپذیر است.

قرآن، طرح تبلیغی فراگیر اسلام<sup>۱</sup> بوده و برای هدایت و ارشاد مردم از دوروش زیر بهره جسته است:

الف- تنوع در تعبیر

قرآن مجید به هنگام ارائه مفاهیم و معانی قهرآمیز و خشن، از واژگان سخت و سنگین، و برای معانی لطیف و ملایم، از کلمات نرم و روان استفاده کرده، به طوری که هماهنگی نغمه‌ها حتی بین کلمات و معانی آنها رعایت گردیده است.

ب- تکرار

قرآن کریم در موارد زیادی به منظور خوب فهمانیدن و برانگیختن ذهن و اندیشه مخاطبان، و پرهیز از خستگی و ملالت آنها، یک مفهوم مهم را با عبارتهای گوناگون در سوره‌های مختلف قرآن تکرار کرده است، تا مخاطبان به اهمیت آن موضوع پی برده و مطلب مورد نظر در ضمیر آنها راسخ گردد. مزیت دیگر قرآن مجید، جهانی بودن آن است، زیرا جز آن، کتابی برای همه انسانها از جانب خدا نازل نشده، همان‌گونه که غیر از آیین اسلام، دینی که صلاحیت اداره همه شئون زندگی بشر را دارا باشد، تشریح نگشته است. خود قرآن این حقیقت را باصراحت بیان داشته است: «ای پیامبر، ما تو را برای هدایت همه جهانیان فرستادیم»<sup>۲</sup>.

جهانی بودن این رسالت آسمانی به این جهت است که لطف الهی اقتضا دارد که آیین بی‌ظنیری همچون اسلام که دینی جاودانی و تضمین‌کننده سعادت انسان است به گوش جهانیان رسانیده شود؛ ضمن اینکه تکلیف بدون تبلیغ روا نیست، و اگر انسانی از حقایق قرآن باخبر نشود و به پذیرش آن دعوت نگردد، پاداش و کیفر الهی برای او موردی نخواهد داشت.

قرآن را با همه وسایل و ابزارهای قدیم و جدید می‌توان تبلیغ کرد، و احکام مقدس

۱. لاوند، محمد رمضان، السیاسة الاعلامية فی القرآن الکریم، ص ۲۴۵.

۲. «و ما ارسلناک الا کافة للناس»، (سوره سبأ، آیه ۲۸).

آن با همه عادت‌ها و آدابی که با فطرت سالم بشری و حیات انسانی همخوانی داشته باشند، سازگاری دارد.

## ۳. ابزار تبلیغ

در مفهوم جدید تبلیغ، وسیله و ابزار بی‌طرف تلقی می‌گردد، یعنی به خوبی و بدی آن توجهی نمی‌شود. اما رسول خدا ﷺ توجه مردم را به این نکته جلب می‌کرد که همه اشیا و طبیعت و مواد اولیه ابزارهای تبلیغ، همگی آفریده خدا و تسبیح‌کننده اویند، و با این نگرش به هستی، ابزارها را دارای نوعی حیات و احساس می‌دانست.

قرآن کریم در آیات زیر همین حقیقت را بیان می‌دارد:

«لشکریان آسمان و زمین، همه از آن خدایند»<sup>۱</sup>

«موجودی در جهان نیست، مگر اینکه تسبیح‌گوی و ستایشگر اوست»<sup>۲</sup>

«ای پیامبر، اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، مشاهده می‌کردی که از ترس

خدا نرم و متلاشی می‌گردید»<sup>۳</sup>

«بعضی از سنگها از ترس خدا فرود می‌آیند»<sup>۴</sup>

و با این نگاه به موجودات جهان، باید پذیرفت که وقتی آنها را برای دروغ‌گویی و

تبلیغ انحرافی به کار می‌بریم، ناله و فریادشان بلند خواهد شد.

## ۴. دریافت‌کنندگان پیام

گیرندگان پیام آسمانی اسلام، انسانها و افکار عمومی جامعه آن روز عربستان بودند. خُلق کریم پیامبر و تربیت آسمانی او، و فرزاندگی و مهربانی و موعظه نیکوری وی، بر آن مردم تجلی یافته و همگان شیفته وی شده بودند.

او با همه مردم و همه طبقات، از اهل کتاب گرفته تا فقرا و تهیدستان به گفت‌وگو می‌نشست تا بهترین امتها را به وجود آورد، و برآستی که در آن هدف کامیاب گردید و چنان امتی به وجود آورد؛ اما نه با تکیه بر قومیت عرب که نوعی شوونیسم و جاهلیت

۱. «و لله جنود السموات والارض»، (سوره فتح، آیه ۴).

۲. «و ما من شیء الا یسبح بحمده»، (سوره اسراء، آیه ۴۴).

۳. «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرآته خاشعا متصدعا من خشية الله...»، (سوره حشر، آیه ۲۱).

۴. «ان من الحجارة لما یهبط من خشية الله...»، (سوره بقره، آیه ۷۴).

است، و نه با نژادپرستی یهود، یا نازیسم منحرف، یا استعمار و تجاوز، بلکه با صداقت و خلق و خوی نیکو.

### ۵. عکس‌العمل مردم

واکنش بشریت در برابر تبلیغ رسول خدا، پذیرش و اقبال عمومی به آیین وی، و پاسخگویی به ندای فطرت بود. آن مردم اسلام را پذیرفتند و به همه پیامبران گذشته و معجزه‌هایشان ایمان آوردند، تا جهان از نژادپرستی و خودخواهی و تکبر، و رقابت و تنازع بر سر امور پست و بی‌ارزش مادی، رهایی یابد و به سمت و سوی ایثار و جهاد در راه خدا و مبارزه با هواهای نفسانی گرایش پیدا کند.

### نگاهی به تبلیغ در آغاز بعثت

اگرچه ما به اعطای بعضی از صفات، یا اطلاق برخی از اصطلاحات که ساخته کارشناسان علوم انسانی باشند، بر پیامبران یا کتابهای آسمانی موافق نیستیم، زیرا آن تعبیرات معمولاً مرحله‌ای و حیرت‌زای و در مواردی که نشأت گرفته از مکاتب مادی و شکست خورده‌ای همچون «سوسیالیسم»<sup>۱</sup> باشند، غلط و انحراف‌آمیزند، اما از آنجا که گفته‌اند: در مثل مناقشه نیست، با حفظ هوشیاری و مراقبت از اصول و ارزشهای دینی، می‌توانیم برخی از آنها را درباره پیغمبران و کتابهای آسمانی به کار ببریم. مثلاً قرآن مجید را «قانون اساسی اسلام» یا پیامبران را «بزرگترین مبلغان الهی» بنامیم.

یکی از عالمان مسلمان، به هنگام تفسیر و تبیین دعوت پیامبر بزرگوار اسلام درباره آن حضرت چنین نوشته است: «او مبلغی نمونه بود که خدای تعالی او را برگزید تا الگوی رفتاری برای امت، و نویدبخش به نعمتهای خود و بیم‌دهنده از عذاب وی باشد و به اذن آفریدگار، مردمان را به سوی او فراخواند»<sup>۲</sup>.

ذات و ماهیت اسلام اقتضای تبلیغ دارد، و به همین جهت پیوسته در حال روشنگری

۱. سوسیالیسم مارکسی یا کمونیسم، مکتبی است مادی که از نظر اقتصادی معتقد به کنترل تولید و توزیع به وسیله دولت می‌باشد.  
۲. دکتر ابراهیم امام، الاعلام الاسلامی، ص ۵.

و دعوت و بیان حقایق است. در صورتی که آیین یهود دارای دعوت واضح و آشکاری نیست و همواره به پنهانکاری می‌پردازد، و پیروان آن پیشروان تبلیغات گمراه‌گر و منافقانه‌اند، و قرآن کریم درباره آنها می‌گوید: «آنانکه آیات روشنی را که برای هدایت مردم فرورستادیم و در کتاب به روشنگری و تبیین آن پرداختیم، پنهان می‌کنند، خدا و فرشتگان و همه جن و انس بر آنها لعنت می‌فرستند»<sup>۱</sup>.

در دایرة المعارف بریتانیا در ذیل کلمه قرآن چنین آمده است: «محمد آیین جدیدی به جهانیان عرضه کرد که همان اسلام است، او از همه پیامبران و شخصیت‌های بزرگ جهان توفیق بیشتری به دست آورد، زیرا با آنکه مخاطبان وی نسلهای متوالی به بت‌پرستی و خرافات و رباخواری و قمار و می‌گساری و ستم بر ضعفیان و جنگهای قبیلگی خو گرفته بودند، اما او در مدت بیست سال در میان همان مردم اصلاحاتی را به اتمام رساند که مصلحان یهود و نصارا، با وجود پشتیبانی مقتدرانه پاپ از انجام آن عاجز بودند»<sup>۲</sup>.

به نظر ما علت کامیابی و پیشرفت کار رسول اکرم دو چیز بود: یکی توفیق خدایی، و دیگری کار انبوه و متراکمی که با الهام از قرآن مجید و برنامه‌های واقع‌بینانه آن انجام می‌داد.

تاریخ نشان می‌دهد که کار تبلیغی پیامبر بزرگوار اسلام در پنج مرحله، و در هر یک از آنها به روشی ویژه انجام می‌گرفت و آن مراحل عبارتند از:

۱. مرحله دعوت پنهانی

۲. مرحله دعوت آشکار

۳. دوران فشار و آزار شدید مشرکان بر مسلمانان

۴. مرحله هجرت

۵. مرحله استقرار در مدینه

در هر یک از مراحل بالا رسول اکرم ﷺ از شیوه‌هایی بهره می‌گرفت، که اگر نتایج بزرگی که در آن زمان کوتاه از آن انقلاب انسانی بزرگ و بی‌نظیر حاصل گردید، با

۱. «ان الذين يكتُمون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس في الكتاب اولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللاعنون»، (سوره بقره، آیه ۱۵۹).

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک. ص ۱۳۷ کتاب التفسیر الاعلامی للسیره از دکتر محمد خفاجی و دکتر عبدالعزیز شرف.

امکانات آن روزگار مقایسه گردد، شیوه‌هایی بسیار پیشرفته به نظر خواهند آمد.

### دعوت پنهانی

در این مرحله کوتاه، وحی الهی بر قلب مقدس رسول خدا نازل می‌گشت و به او آگاهی و اطمینان می‌بخشید که برآستی فرستاده پروردگار و خاتم پیغمبران است. این آگاهی به وسیله آیات نورانی قرآن تحقق می‌یافت، و با این آیه مبارک، رسول اکرم صلی الله علیه و آله از پیامبری خویش مطلع گردید:

«ای رسول ما، وحی الهی را به نام پروردگارت که آفریدگار جهان است بر مردم قرائت کن»<sup>۱</sup>.

در کار تبلیغ و خبررسانی نکات زیر شایسته یادآوری است:

الف- عظمت پیام نشانه عظمت پیام آور است.

ب- منبع و سرچشمه پیام باید واضح و مشخص باشد.

ج- موقعیت و زمان مناسبی برای ابلاغ پیام در نظر گرفته شود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همان روزهای نخستین بعثت، ابتدا افراد خانواده‌اش را به اسلام فراخواند و پس از آن روزها به کعبه می‌رفت و به نماز می‌ایستاد و علی رضی الله عنه و خدیجه کبری به او اقتدا می‌کردند و پس از چندی فرشته وحی برای وی این پیام را آورد: «و خویشاوندان نزدیکت را از عذاب خدا بیم ده»<sup>۲</sup>. برای اجرای این فرمان، رسول خدا مردان قومش را که حدود چهل نفر بودند به خانه عمویش ابوطالب دعوت کرد، و در آن محفل که عموهایش ابوطالب، حمزه، عباس و ابولهب حضور داشتند خطاب به آنان چنین فرمود:

«ای فرزندان عبدالمطلب، سوگند به خدا، من جوانی از عرب سراغ ندارم که برای خویشانش چیزی آورده باشد که بهتر از چیزی باشد که من برای شما آورده‌ام؛ من خیر دنیا و آخرت را برای شما به ارمغان آورده‌ام، و خدا مرا فرمان داده که شما را به سوی او بخوانم، و هرکسی از شما مرا در این کار یاری کند برادر و جانشین و وصی من خواهد بود.»

خویشان پیامبر از پذیرفتن دعوت او سر باز زدند، اما علی رضی الله عنه قیام کرد و گفت: «ای رسول خدا، من در این کار تو را کمک خواهم کرد.» در این هنگام پیامبر دست بر شانه او نهاد و به حاضران گفت: «این، برادر و وصی و جانشین من در میان شماست، سخن او را بشنوید و از وی اطاعت کنید»<sup>۱</sup>.

با اینکه این حدیث با اسناد زیادی در کتابهای «صحیح» و «سنن» برادران اهل سنت ما ذکر شده و بر صحت آن اتفاق نظر دارند، اما آنانکه از طریق اهل بیت انحراف جستجو کنند، از این حدیث شریف همانند احادیث «غدیر» و «ثقلین» اعراض کرده و به فریب افکار عمومی و تشویش اذهان مسلمانان پرداخته‌اند.

زامداران خودسر، از ترس اینکه مبادا رو آوردن به خاندان پیغمبر، قدرت و منصب آنان را به خطر اندازد، به وسیله مزدوران و واعظان دربار خود، جنگ تبلیغاتی وسیعی بر ضد اهل بیت رسول خدا به راه انداخته و به کنمان فضایل و مناقب آنها پرداختند. مثلاً کلمه «و عترتی اهل بیتی» را در حدیث شریف ثقلین با سختی و تکلف به کلمه «و سبتی» تبدیل کرده‌اند؛ درحالی‌که می‌دانند صورت اول آن به طور مستند و متواتر از رسول اکرم نقل شده و شکل دوم آن خبر واحد مرسل است که حدود یک و نیم قرن بعد از پیغمبر، در کتاب الموطأ مالک بن انس ذکر گردیده است.

با چنین سیاستها و برنامه‌های خصمانه‌ای، شگفتی ندارد که دستگاههای تبلیغی فریبکار آنها بتوانند حقیقت را دگرگون سازد و «و سبتی» را به جای «و عترتی» گذارد یا حدیث غدیر را انکار کند یا کلمه‌های «ولایت» و «وصی» را در روایتهای مربوط به حضرت علی رضی الله عنه به معانی نامربوط توجیه و تأویل نماید، یا به منظور فریب دادن مسلمانان اعلام دارد که علی رضی الله عنه اولین کودکی بود که اسلام آورد و...

موضوع پنهان ساختن فضایل اهل بیت صلی الله علیه و آله به قدری معروف و متداول بوده است که حافظ بن حجر عسقلانی<sup>۲</sup> درباره آن می‌گوید: بخاری در صحیح خود فصلی را به این موضوع اختصاص داده و در اواخر کتاب علم، بابی را با عنوان «کسانی که دانش را ویژه گروهی خاص می‌دانند»، مطرح کرده است.<sup>۳</sup>

۱. این حدیث، از احادیث صحیحی است که از پیامبر اکرم نقل شده و در بیش از ده منبع معتبر ذکر گردیده است، برای اطلاع بیشتر رک. حاشیه کتاب المراجعات، ص ۳۰۴.

۲. ابن حجر العسقلانی، فتح‌القدیر، ص ۲۵. ۳. صحیح البخاری، کتاب‌العلم، ج ۱، ص ۴۱.

۱. «اقرء باسم ربك الذي خلق»، (سوره علق، آیه ۱).

۲. تواتر عشیرتک الاقرین»، (سوره شعرا، آیه ۲۱۴).

شایان ذکر است که با وجود تشویق و تحریک حاکمان ستمگر و انبوهی تبلیغات دروغین و غرض‌آلوده، دشمنان اسلام و اهل بیت نتوانستند حقایقی را که در منابع معتبر اسلامی در فضیلت خاندان رسول خدا ذکر شده است، نابود سازند.

با توجه به مطالب فوق، این حقیقت آشکار می‌گردد که پیغمبر اسلام به فرمان خدا، همواره سعی بز آن داشت که امامت و رهبری امت را بعد از خود به علی علیه السلام و فرزندان گرامی‌اش بسپارد تا به عنوان «قرآن ناطق» همراه با قرآن صامت (قرآن کریم) به تبلیغ و تبیین آیین آسمانی اسلام پرداخته و ندای پروردگار را به گوش جهانیان برسانند.

بعد از رحلت رسول خدا، اصحاب و یاران او، همواره به علی علیه السلام نیازمند بودند و بویژه هنگامی که مشکلی علمی رخ می‌نمود، یا حادثه مهمی پیش می‌آمد، چاره‌ای جز مراجعه به آن حضرت نداشتند. البته جای انکار نیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله یاران صمیمی و بااخلاصی داشت که از وجود او کسب فیض می‌کردند، اما علی علیه السلام دروازه شهر دانش و حکمت پیامبر و قرآن ناطق و دارای علمی راستین به کتاب خدا بود.<sup>۱</sup>

#### دعوت آشکار

این مرحله ادامه گسترش دعوت اسلام و کامل‌کننده تلاشهای مرحله قبل بود.<sup>۲</sup> در این دوران، نقش تبلیغ و بویژه اهمیت پیوند و ارتباط با گروههای وسیع مردم و آماده‌سازی افکار عمومی، که با ابلاغ پیامهای رسول خدا به قبایل گوناگون عرب تحقق یافت، بخوبی آشکار می‌گردد.

پیشتر به عکس‌العمل مردم در برابر این دعوت، و ورود فوج فوج آنان به اسلام اشاره کردیم. این استقبال بی‌نظیر به برکت وجود رسول خدا، حقیقت قرآن مجید، کارآمدی ابزارهای تبلیغ و سازمان اداری مناسب بود.

روزبه‌روز دعوت اسلام نیرومندتر می‌شد و مردم با آغوش باز و اعتقاد کامل این آیین خدایی را می‌پذیرفتند و آشکارا در شهر مکه درباره آن بحث و گفت‌وگو می‌کردند. در تمام این دوران علی علیه السلام با صداقت کامل و ایمانی راستین همانند کودک از شیر گرفته‌ای که همواره به دنبال مادر است، در پشت سر رسول خدا حرکت می‌کرد و به دفاع از آن

۱. اشاره به جمله «و من عنده علم الكتاب» در آیه آخر سوره رعد است. م.  
۲. رک. تفسیر الاعلام الاسلامی، از دکتر ابراهیم امام.

حضرت می‌پرداخت، و حمزه عموی بزرگوار پیامبر با صلابت و استواری به حمایت از وی برمی‌خاست و در همین رابطه، با کوبیدن زه کمان بر فرق ابوجهل او را که به رسول خدا صلی الله علیه و آله بی‌حرمتی نموده بود تنبیه ساخت.

ابوذر غفاری صحابی صادق و بااخلاص پیامبر نیز در آن شرایط سخت، با رفتن به میان اجتماعات مکه و دعوت آشکار مردم به این آیین مقدس، از مبلغان اسلام محسوب می‌شد و به همین علت، گاهی دشمنان اسلام چنان او را کتیک می‌زدند که بی‌هوش می‌شد، اما مجدداً و با عزمی قویتر کارش را از سر می‌گرفت.

بد نیست بدانیم که در همان شرایط، بعضی از مسلمانان که در ابتدا دعوت پیامبر اسلام را پذیرفته بودند، وقتی دچار رنج و زحمت می‌گشتند به فکر رها کردن اسلام و بازگشت به جاهلیت می‌افتادند و آثار این تردید ایشان، بعدها و به هنگام رقابتشان بر سر کسب غنائم و مقام و منصب آشکار گردید.

#### فشار و سختگیری مشرکان بر مسلمانان

در این مرحله، رسول اکرم به همان وسایل و شیوه‌هایی توسل می‌جست که در مرحله قبل از آن بهره گرفته بود، مانند ارتباط مستقیم با افراد و نمایندگان گروههای مختلف، که اکثر این تماسها در مراسم سالیانه حج برگزار می‌شد.

در این دوران، مشرکان قریش با اصرار بر سرکشی و کینه‌ورزی به مقابله با وحی، و رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاسته و سعی بر نابود کردن آیینی داشتند که اعتقادات آنها را نابخردانه می‌شمرد، و عزم آن داشت تا رسوم جاهلیت را براندازد و مانع ظلم و طغیان آنها گردد و آدمی را از شرک و گمراهی رها سازد.

در آن شرایط سخت، روزی مشرکان قریش نمایندگان به نزد ابوطالب عموی پیغمبر فرستاده و ضمن ارائه پیشنهادهایی و سوسه‌انگیز، خواستار توقف دعوت توحیدی پیامبر شدند.

پس از آنکه ابوطالب پیام آنها را رسانید، رسول خدا در پاسخ آنان سخن معروفش را که هنوز در گوش تاریخ طنین‌انداز است، خطاب به ابوطالب بیان داشت؛ او فرمود: «ای عمو، سوگند به خدا اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپم بگذارند تا از این کار دست بردارم هرگز چنین نخواهم کرد، تا اینکه خدا اسلام را پیروز کند یا مرا

در راه آن هلاک سازد.<sup>۱</sup>

پس از اینکه مشرکان در این ترنندشان نیز شکست خوردند، با نسبت دادن صفات زشتی از قبیل جادوگری، دروغ‌گویی و دیوانگی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مبارزه با دعوت و مکتب او برخاسته و گاه با مسخره کردن و شکلک درآوردن، و گاه با ایجاد سر و صدا به هنگام قرائت قرآن، و زمانی با پرتاب آب دهان و کارهای ابلهانه دیگر، او را آزار می‌دادند. مدتی آن حضرت و خاندان بنی‌هاشم را در شعب ابی‌طالب به محاصره درآورده و هرگونه ارتباط اقتصادی و خانوادگی را با ایشان قطع کردند، ضمن اینکه هریک از دیگر مسلمانان را که می‌توانستند، زندانی ساخته یا با ظلم و ستم تحت فشار قرار می‌دادند.

اما با تمام اینها رسول خدا با نیروی الهی و معجزه قرآنی، همه پزده‌های جاهلیت را پاره کرد و باورهای غلط مشرکان را نابود ساخت و با صبر و جهاد و استقامت او فرآیند تبلیغ با زیباترین شکل ممکن کامل گردید و آیین جاودانه اسلام در میان زنان و مردان و همه قبایل عرب انتشار یافت.

#### مهاجرت به حبشه

در سال پنجم بعثت اولین مهاجرت مسلمانان به کشور حبشه انجام گرفت که چهره خارجی ارتباطات شخصی پیامبر، در راستای تکمیل کار تبلیغی سیاسی اسلام نیز به حساب می‌آید. این مهاجرت پس از آن صورت گرفت که رسول خدا احساس کرد که قادر به جلوگیری از آسیب‌هایی که از ناحیه مشرکان بر مسلمانان وارد می‌شود نیست. به همین دلیل برای پیشگیری از ضرر و زیان بیشتر و خطرهای احتمالی، و نیز در جهت پیشبرد کار تبلیغ اسلام و حفظ امکانات و ابزارهای تبلیغ و فعال نمودن آنها در عرصه‌های گسترده‌تر، مسئله مهاجرت را پیشنهاد کرد و به مسلمانان فرمود: «به سرزمین حبشه هجرت کنید که فرمانروایی دادگر دارد و نزد او بر هیچ‌کس ظلم نمی‌شود و کشورش جایگاه راستی است، تا خدا شما را از این مشکلات رهایی بخشد و گشایشی

فراهم آورد»، و پسر عموش جعفر بن ابی‌طالب را سرپرست آنها قرار داد.

انتخاب جعفر کاری بجا و شایسته بود، زیرا او با علم و درایتش توانست شبهه‌های گروه اعزامی جامعه جاهلی مکه را بخوبی پاسخ گوید، و با اقتناع پادشاه حبشه زمینه را برای اسلام آوردن وی مساعد سازد.

#### استقرار در مدینه

در تمام مراحل پیش از هجرت، کار دعوت و تبلیغ آیین اسلام به بهترین و کاملترین صورت، با ملاقات و گفت‌وگوی رودرروی پیامبر صلی الله علیه و آله با سران و افراد بانفوذ قبایل عرب، یا مذاکره مستقیم با گروه‌های انسانی انجام می‌شد. البته هر دو نوع این ارتباط متقابلاً در یکدیگر تأثیر داشتند، زیرا ملاقات و مذاکره با گروه‌های انسانی، کار رؤسای ایشان را در دعوت افراد تحت امر خود به اسلام، ساده‌تر می‌کرد و ملاقات حضوری با سران قبایل و اقناع آنها، در تسهیل دعوت گروه‌های تحت نفوذ آنان تأثیر بسزایی داشت.<sup>۱</sup>

هدف از ملاقات حضوری در برنامه‌های تبلیغی، جلب اعتماد مردم به سرچشمه دعوت است و همین اعتماد، زیربنای ایمان آنها به مکتب را به وجود خواهد آورد.

دانشمندانی مانند «لازرسفیلد» و «کانتز» به برتری روش «برقراری رابطه شخصی و حضوری با مردم» بر دیگر شیوه‌های تبلیغ اعتقاد دارند و درباره علت آن چنین می‌گویند: «برای مردم آسان است که از پذیرش دعوتی که با افکار و امیال آنها همخوانی ندارد، سر باز بزنند، اما نمی‌توانند از گفت‌وگو با یک همکار، یا یک خویشاوند، یا یک دوست امتناع ورزند، مخصوصاً وقتی که سخن درباره موضوع تازه‌ای باشد. و مذاکره رودررو سبب انعطاف‌پذیری در عرضه مسائل می‌گردد و تأثیر فراوانی بر مردم دارد».<sup>۲</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از اهمیت گفت‌وگو با سران قبایل و خرسند ساختن آنها و نیز تأثیر آنان بر افراد تحت امرشان بخوبی آگاه بود و می‌دانست که تبلیغ مکتب بدون توجه و هماهنگی با آنها تأثیر چندانی بر افراد ندارد.<sup>۳</sup>

۱. عماره، دکتر محمد، اسالیب الاتصال و التغير الاجتماعی، ص ۱۱۴.

۲. امام، دکتر ابراهیم، الاعلام الاسلامی، ص ۱۰.

۳. حمزه، دکتر عبداللطیف، الاعلام فی صدر الاسلام، ص ۷۱.

۱. این واقعه ثابت کرد که تبلیغ اسلامی اصولی و مسئولیت‌زاست و قابل معامله و چانه زدن نیست و مبلغ مسلمان به خدا و مکتب خیانت نمی‌کند، در صورتی که دعوت مادی، غیر اصولی و قابل خرید و فروش و در خدمت صهیونیسم و مزدوران آنهاست.

### تبلیغ در مدینه

هرچند که در مکه ابزارهای مثبت تبلیغ بسیار کم بود، در مدینه وسایل تبلیغی فراوانی وجود داشت که در این قسمت از بحث به نُه مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. اذان که برای اعلام اوقات نمازهای یومیه گفته می‌شد.
۲. ملاقات و مذاکره مستقیم با یهودیان مدینه به منظور همزیستی مسالمت‌آمیز.
۳. برقراری روابط دوستانه با قبیله‌های مجاور شهر مدینه.
۴. شبکه‌های اطلاعاتی و خبررسانی که به عنوان تدبیر احتیاطی به هنگام وقوع جنگها تشکیل می‌شدند.
۵. سخنرانی و ایراد خطبه توسط پیامبر در مناسبت‌های گوناگون و نمازهای جمعه و عیدهای فطر و قربان.
۶. استقبال رسول خدا ﷺ از هیئتهای اعزامی مناطق مختلف عربستان و ملاقات با سران قبایل به خاطر نفوذی که بر افراد قبیله‌های خود داشتند.
۷. گفت‌وگوهایی که درباره پیغمبر و آیین جدید او میان مردم مطرح می‌شد و به طور طبیعی موجب تحریک افکار عمومی برای شناختن دین مبین اسلام و مبانی و اهداف آن می‌گردید.
۸. جنگهای پیغمبر که زمینه‌ساز آزادی تبلیغ اسلامی و از بین بردن تبلیغات گمراه‌کننده مادی بودند.
۹. نامه‌هایی که رسول اکرم برای پادشاهان و سران کشورهای مختلف جهان ارسال می‌کرد.

### دعوت جهانی اسلام

دین مقدس اسلام از همان روزهای نخستین ظهور خود در مکه، هویت انسانی و جهانی خود را آشکار کرد و اعلام داشت که مکتبی است جهانی و دعوتی همگانی که همه مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد و همه فرصتهای رشد و شکوفایی، و توازن بین ابعاد مختلف وجود انسان را به گونه‌ای مهیا می‌سازد که هیچ بخشی از وجود او راکد و متوقف

نماند.

چنین دیدگاهی نشانه این است که اسلام انسان را با همه تواناییها و نیازهایش، آن‌طور که هست، شناخته و برنامه‌هایش را با توجه به آنها تنظیم کرده است.

رساترین نصی که بر انسانی بودن این دین شریف دلالت دارد این آیه قرآن کریم است که می‌فرماید:

«پس تو ای رسول، روی به سوی دین حقیقت‌گرای اسلام آور، دینی که خدا سرشت مردمان را بر آن آفریده است، هیچ تغییری در آفرینش خدا نباید داد، این است آیین پایدار و استوار، ولی بیشتر مردم از آن آگاه نیستند»<sup>۱</sup>.

اسلام تنها مکتبی است که بدون مزد و منت یا بهره‌کشی و استثمار، سعی در بیدار کردن انسان دارد و به او آگاهی می‌بخشد که آزاد است و باید از همه قید و بندها و از ستم کردن به خویش و دیگران رهایی یابد، و تبلیغ چنین اندیشه‌ای را از امور واجب می‌شمارد.

سوره‌های مکی قرآن شریف که در ضمن مباحث گوناگون اعتقادی ماهیت وجود انسان و ترکیب مادی و معنوی او را روشن ساخته‌اند، این واقعیت را بیان می‌دارند که دین اسلام ماهیتی انسانی دارد و همه آدمیان را بدون توجه به نژاد یا زبان یا رنگ پوستشان مخاطب خود می‌داند.

آیات نورانی قرآن از همان آغاز بعثت از جهانی بودن آیین اسلام نیز خبر می‌دادند و آیه‌هایی که باصراحت این ویژگی را بیان می‌دارند در مکه نازل شده‌اند. مثلاً آیه ۱۰۷ سوره انبیاء که می‌فرماید: «ای رسول ما تو را برای آن فرستادیم که رحمتی برای همه جهانیان باشی»<sup>۲</sup> و آیه ۲۸ سوره سبأ که فرموده است: «[ای پیامبر] ما تو را جز برای آنکه همه انسانها را [به رحمت خدا] بشارت دهی و [از عذاب او] بترسانی مبعوث نکردیم»<sup>۳</sup>، هر دو مکی هستند و خطاب «یا ایها الناس» فقط در سوره‌های مکی به کار رفته است.

علاوه بر نصوص فوق، برنامه‌های اجراشده از همان آغاز دعوت اسلام، در راستای تحقق همین هدف بودند. مثلاً وجود مبلغانی مانند حمزه بن عبدالمطلب، عمار بن یاسر،

۱. «فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اکثر الناس لا یعلمون»، (سوره روم، آیه ۳۰).

۲. و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین. ۳. و ما ارسلناک الا کافة للناس بشیراً و نذیراً.

بلال حبشی، صهیب رومی، و مصعب بن عمیر در ترکیب هیئت‌های تبلیغی پیغمبر نشانگر این است که اسلام به تفاوت‌های جغرافیایی و قبیله‌ای و نژادی اهمیتی نداده است، چه در میان این مبلغان، ثروتمند و کم‌بضاعت، سفید و سیاه، و عرب و عجم مشاهده می‌گردند.

#### نامه‌های پیامبر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای گسترش دعوت اسلام به کشورها و مناطق گوناگون جهان، همان شیوه برقراری ارتباط را با زیباترین شکل ممکن ادامه داد، و در اجرای همین سیاست نمایندگان و نامه‌هایی به نزد پادشاهان و زمامداران کشورها فرستاد و آنان را به پذیرفتن آیین آسمانی اسلام فراخواند. واکنش پادشاهان در برابر دعوت رسول خدا متفاوت بود، برخی از آنان ندای حق را اجابت نموده و به آیین اسلام مشرف شدند، و بعضی از ایشان اگرچه ظاهراً پاسخ مثبت ندادند اما واکنشی نیکو نشان دادند، و برخی از آنها با تکبر و تمسخر با پیام مبارک نبوی برخورد کردند.

تعدادی از نامه‌های رسول خدا به شرح زیر بودند:

#### نامه به پادشاه ایران

در سال ششم هجری، رسول خدا یکی از یارانش را با یک نامه به سوی خسرو پرویز پادشاه ایران فرستاد و او را به آیین اسلام دعوت کرد. در آن روزگار دولت ایران از نظر وسعت و جمعیت و ثروت و قدرت، بزرگترین دولت مشرق محسوب می‌شد و خسرو پرویز که شیطان او را گمراه کرده و به پرستش آتش و طغیان و استبداد واداشته بود بر آن حکم می‌راند. متن نامه پیغمبر به این شرح است:

«به نام خداوند بخشننده مهربان. این نامه‌ای است از محمد رسول خدا به خسرو، بزرگ ایران؛ سلام بر کسی که هدایت پذیرد و به خدا و پیامبر او ایمان آورد و گواهی دهد که خدایی جز آفریدگار یکتا و بی‌نیاز نیست، و محمد بنده و فرستاده او به سوی همه مردم است، تا آنهایی را که دل‌هایی زنده دارند از خدا و قیامت بیم دهد و وعده عذاب بر کافران قطعی گردد. پس اسلام اختیار کن تا سالم مانی و اگر امتناع کنی، گناه قوم مجوس

بر عهده تو خواهد بود.»<sup>۱</sup>

خسرو پرویز پس از دریافت نامه پیغمبر با تکبر آن را پاره کرد. وقتی خبر پاره کردن نامه به رسول خدا رسید فرمود: «ملکش پاره شود» و با این جمله از پایان حکومت و برچیده شدن دستگاه طغیان و گمراهی وی خبر داد. در آن زمان خسرو پرویز بر کشور یمن که از سرزمین‌های عربی بود تسلط داشت و شخصی به نام «بازان» را بر حکومت آن گماشته بود. پس نامه‌ای به وی نوشت و او را فرمان داد تا به مدینه رود و پس از دستگیر کردن رسول خدا او را به دربار ایران بفرستد و بساط نبوت و تبلیغ وی را برچیند.

بازان، پس از دریافت نامه دو نفر را به مدینه فرستاد تا با تهدید پیغمبر، از او بخواهند تا به نزد بازان برود. وقتی آن دو نفر به مدینه آمدند و موضوع مأموریت خود را به پیامبر گفتند، رسول خدا به آنان گفت که روز بعد برای دریافت پاسخ خود مراجعه کنید، و در آن روز خدای تعالی به نبی بزرگوار خود خبر داد که خسرو پرویز توسط پسرش شیرویه به قتل رسیده است.

روز بعد دو فرستاده بازان به نزد پیغمبر آمدند و آن حضرت خبر قتل پادشاه ایران را به آنها داد و فرمود: «این خبر را به بازان بدهید و به او بگویید، قدرت من به وسعت ملک کسری می‌رسد و در جای جای زمین استقرار خواهد یافت، اگر مسلمان شوی تو را به حکومت یمن باقی می‌گذارم و پادشاهی انبیا را به تو می‌بخشم». وقتی آن دو مأمور بازگشتند و خبرها را به بازان رسانیدند، او گفت: سوگند به خدا، این سخن یک پادشاه نیست، و محمد صلی الله علیه و آله به نظر من یک پیغمبر است؛ باید صبر کنیم، اگر آنچه گفته است راست باشد شکی باقی نمی‌ماند که او پیغمبر خداست و اگر سخنش راست درنیاید، آنگاه نظرمان را درباره‌اش اعلام می‌کنیم.

بعد از مدت کوتاهی نامه‌ای از شیرویه به بازان رسید که در آن خبر داده بود که پدرش را کشته و خود بر تخت نشسته است و چون حکومت آنها فعلاً ضعیف است، از او می‌خواهد که در کار محمد صلی الله علیه و آله دخالت نکند. هنگامی که بازان نامه شیرویه را خواند به یاران خود گفت: این مرد پیغمبر خداست، و اسلام آورد و ایرانیانی که در یمن همراه او بودند نیز، همگی مسلمان شدند.<sup>۲</sup>

نامه به حاکم اسکندریه

و در همان سال ششم هجری رسول خدا نامه‌ای برای مقوقس فرمانروای اسکندریه فرستاد و او را به اسلام دعوت کرد. مقوقس نامه آن حضرت را خواند و آن را خیر و نیکویی نامید، و علاوه بر نوشتن پاسخ نامه پیغمبر، دو کنیز و یک جامه و یک اسب برای او به ارمغان فرستاد. پیامبر هدیه او را پذیرفت و با یکی از آن دو کنیز ازدواج کرد که به دنیا آمدن ابراهیم ثمره آن ازدواج بود.<sup>۱</sup>

نامه به فرمانروای دمشق

پیغمبر اکرم، در همان سال نامه‌ای نیز برای حارث فرمانروای دمشق فرستاد که در بخشی از آن چنین آمده بود:

«سلام بر آن کسی که پیرو هدایت باشد و به خدای تعالی ایمان آورد. تو را دعوت می‌کنم که به آفریدگار یکتا و بی‌همتا ایمان آوری تا حکومتت بر جای ماند.»

بنا به گفته مورخان، حارث دعوت پیامبر را قبول نکرد و پاسخ بسیار بدی به نامه آن حضرت و فرستاده او داد.

نامه به پادشاه حبشه

در سال پنجم بعثت، تعدادی از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابی‌طالب به حبشه هجرت کرده بودند. نقشه این مهاجرت به عنوان یک تاکتیک سیاسی و برای تحقق هدفهای زیر طراحی شده بود:

الف- حفظ مسلمانان از فتنه‌ها و ستمگریهای مستکبران قریش.

ب- کسب حامیان جدید و جمع آوری نیرو برای پشتیبانی از افرادی که بعداً به جرگه مسلمانان می‌پیوندند.

ج- تبلیغ آیین اسلام به شخص نجاشی فرمانروای حبشه، و دیگر حبشیان.

در ادامه این حرکت، در سال ششم هجری، رسول اکرم نامه‌ای را توسط یکی از مسلمانان برای نجاشی فرستاد. متن آن نامه چنین است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد رسول خدا، به نجاشی اعظم، پادشاه

۱. دویدار، امین، صور من حياة الرسول، ص ۴۹۸.

حبشه؛ سلام بر تو؛ من، خدای پادشاه منزله بی‌گزند امنیت بخش و نگاهبان را درود می‌گویم، و گواهی می‌دهم که عیسی علیه السلام فرزند مریم، روح خدا و کلمه اوست که وی را به مریم دوشیزه پاکیزه و پاکدامن افاضه کرد تا به عیسی علیه السلام آید. و خدا عیسی را از روح و دم خود آفرید، بدان‌گونه که آدم علیه السلام را با دست و دم خود آفرید. من، تو را به خدای یکتای بی‌انبار و اطاعت وی دعوت می‌کنم و از تو می‌خواهم که پیرو من شوی و به خدایی که مرا برانگیخته، ایمان آوری که من پیغمبر خدایم. پسر عمویم جعفر و جمعی از مسلمانان را به سوی تو فرستاده‌ام؛ چون به نزد تو آیند، آنها را بپذیر و تکبر موز که من تو و لشکریانت را به سوی خدا می‌خوانم؛ پیام او ابلاغ کردم و اندرز دادم؛ اندرزم را بپذیر، و درود بر آن‌کس که پیرو هدایت باشد.»<sup>۱</sup>

نجاشی در پاسخ رسول خدا چنین نوشت:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. به محمد رسول خدا، از نجاشی، اعظم بن ابجر؛ درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد، پروردگار یگانه‌ای که مرا به اسلام رهنمون گشت؛ اما بعد، ای پیغمبر خدا، نامه تو و مطالبی که درباره عیسی نوشته بودی به من رسید، به خدای آسمان و زمین سوگند که عیسی حرفی بر این نمی‌افزاید؛ ما دینی را که آورده‌ای شناختیم، و پسر عمویت را با یارانش پذیرفتیم و مقرب داشتیم، و گواهی می‌دهم که تو پیغمبر راستگو و تأییدشده خدایی، و من با تو و پسر عمویت بیعت کرده، و به دست او به پروردگار جهانیان ایمان آورده‌ام، و فرزند خود «ارها» را به سوی تو فرستادم که من جز بر خود تسلط ندارم، و اگر می‌خواهی به نزد تو آیم، و گواهی می‌دهم که دین تو بر حق است؛ درود بر تو ای رسول خدا.»<sup>۲</sup>

نامه به پادشاه روم

بار دیگر عظمت مکتب تبلیغی اسلام را در نامه رسول اکرم به هرقل پادشاه روم و تأثیر شگفتی آوری که بر وی داشت مشاهده می‌کنیم. متن نامه آن حضرت به شرح زیر بود:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد رسول خدا به هرقل بزرگ روم؛ سلام بر کسی که پیرو هدایت باشد؛ سپس تو را به اسلام دعوت می‌کنم، پس اسلام اختیار کن تا سالم بمانی و خدا دو بار به تو پاداش دهد؛ «بگو ای اهل کتاب بیاید تا از سخنی که میان

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۹۴. ۲. همان.

ما و شما یکسان است پیروی کنیم، جز خدای را نپرستیم و چیزی را با او شریک نسازیم و برخی از ما، برخی دیگر را به جای خدا به ربوبیت نگیریم؛ پس اگر از حق روی گردانند، بگویند: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداییم». اگر اسلام را نپذیری گناه کشاورزان بر ذمه توست.»

هرقل در پاسخ پیغمبر نامه‌ای به این شرح نوشت:

«به احمد رسول خدا، همان کس که عیسی علیه السلام بدو نوید داده است، از هرقل پادشاه روم؛ نامه‌ات با فرستاده‌ات به من رسید، و براستی گواهی می‌دهم که تو پیامبر خدایی، زیرا خبر تو در انجیل نزد ماست و عیسی بن مریم ما را به آمدن تو مژده داده است، و من رومیان را دعوت کردم تا به تو ایمان آورند اما قبول نکردند و اگر می‌پذیرفتند برای آنان بهتر بود، و براستی دوست دارم تا در نزد تو و خدمتگزارت باشم و باهای تو را بشویم.» رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از دریافت نامه هرقل فرمود: «تا نوشته من نزد ایشان باقی باشد کشورشان پایدار خواهد ماند.»<sup>۱</sup>

#### ویژگیهای دعوت اسلام

از گرایشها و پذیرشهایی که در مباحث فوق به آنها اشاره شد این نتیجه به دست می‌آید که شایستگی عناصر تبلیغی نبوی، و حقانیت مکتب، و شأن رفیع رسول خدا، انسانها را آماده پذیرش دعوت و تصدیق به نبوت آن حضرت می‌کرد، به علاوه اینکه تبلیغ اسلامی فطرت و انسانیت را مخاطب می‌سازد و به همین جهت برای هرکسی که خواهان حیات انسانی باشد و در هر مکانی و با هر رنگ و زبان و نژادی قابل قبول است؛ بلکه می‌توان گفت که آیین اسلام، صلاحیت مدیریت همه گروههای انسانی، از پادشاهان و ثروتمندان و اشراف گرفته، تا بردگان و تهیدستان و گمنامان را داراست و موارد زیر دلیل صحت این ادعا می‌باشند:

الف- انتشار سریع اسلام در کمتر از نیم قرن و حاکمیت بر شرق و غرب جهان و ورود گروههای بزرگ انسانی به این مکتب جاودانی؛ امری که وقوع آن در همه تاریخ بشر بی نظیر است.

ب- خاستگاه این دعوت مقدس، محیطی عقب افتاده بود که در میانه امپراتوریهای

بزرگ ایران و روم قرار داشت. این امپراتوریا با آنکه ظاهراً متمدن و با فلسفه و فرهنگ بودند، اما ایدئولوژی آنها توانایی عبور از مرزها، یا نفوذ در دل و جان مردمان خود را نداشت، و همین موضوع پاسخ روشنی به این ادعای مادیهاست که می‌گویند: پیامبر اسلام اندیشه‌های مذهبی خود را از دانشمندان و فیلسوفان این کشورها اخذ کرد. زیرا اگر چنین ادعایی صحیح بود، می‌بایست این انقلاب بزرگ و دعوت فراگیر از همان کشورها آغاز گردد.

ج- آورنده این دعوت شخصی بود که به هیچ وجه سابقه درس خواندن یا نوشتن نداشت.

د- وقتی غیرمسلمانان کشورهای اسلامی را تصرف می‌کردند، پس از چندی به این دعوت جهانی لبیک گفته و مسلمان می‌شدند، همان‌گونه که قوم مغول پس از غلبه بر ایرانیان به آیین اسلام مشرف گردیدند.

در پایان این فصل، مختصراً یادآوری می‌کنیم که تبلیغ راستین مکتبی، همان تبلیغ نبوی اسلامی است که انسان را جانشین خدا در زمین می‌داند و اعتقاد دارد که این مقام در عالم بالا، و قبل از هبوط آدم به زمین، برای او در نظر گرفته شده است، و تبلیغات شیطانی و فریبکارانه مکاتب مادی شایستگی پذیرش ندارند.